

Relationship between imaginary audience and personal fable with resilience

Jowkar B. PhD[✉], NoorAfshan L. MSc¹

[✉]Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences,
Shiraz University, Shiraz

¹ Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences,
Shiraz University, Shiraz

Submitted: 2011.1.6 Accepted: 2013.8.11

Abstract

Introduction: This study investigated relationship between Imaginary Audience and Personal fable with Resilience in adolescence.

Method: Participants were 660 girls (359) and boys (301) students, selected from high schools Shiraz, via random cluster sampling method. The subjects completed the New Personal Fable Scale (NPFS) with three subscales (Omnipotence, Personal Uniqueness, Invulnerability), Imaginary Audience Scale, and Adult Resilience Scale (ARS) with five subscales (Personal competence, social competence, Family coherence, Social support, Personal structure). To examine reliability of measures, Cronbach alpha method and to determine validity, factor analysis was used. Reliability and validity of the measures confirmed by these methods.

Results: Results of simultaneous multiple regression analysis showed that: A) Imaginary Audience was significant positive predictor of the social competence and Social support; b) the omnipotence was positive predictor of all subscales of RSA; c) the Uniqueness was negative predictor of social support and Personal structure subscales; d) Invulnerability was significant negative predictor of social support and family coherence e) There is not a significant difference between girls and boys participants.

Conclusion: The results of present study provided good evidence to support Lapsly's model of egocentrism in adolescence. According to the results egocentrism in adolescence, in some aspects, has adaptive consequences.

Keywords: Resilience, Personal Fable, Imaginary Audience, Egocentrism, Adolescence

رابطه ناظر خیالی و خود افسانه‌ای با تاب‌آوری

بهرام جوکار[✉]، لیلا نورافشان^۱

[✉]گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز
^۱گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۱۶

چکیده

مقدمه: در پژوهش حاضر، رابطه‌ی پیامدهای خود محوری دوره نوجوانی تحت عناوین؛ ناظر خیالی و خود افسانه‌ای، با تاب‌آوری، که بیانگر سازگاری با موقعیت‌های پر استرس و خطرناک است، مورد بررسی قرار گرفت.

روش: شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۶۶۰ دانش آموز (۳۵۹، دختر و ۳۰۱، پسر) سال سوم دبیرستان‌های شهر شیراز بودند. به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از پرسشنامه‌ی ناظر خیالی لاپسلی، مقیاس جدید خود افسانه‌ای لاپسلی و همکارانش (شامل سه زیر مقیاس قادر مطلق، منحصر به فرد بودن و آسیب ناپذیری) و مقیاس تاب‌آوری فراپورگ و همکارانش (شامل پنج بعد: شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی، انسجام خانوادگی، حمایت اجتماعی و ساختار فردی) استفاده شد. اعتبار ابزارهای مذکور، به روش آلفای کرونباخ و روایی آن‌ها از طریق تحلیل عاملی، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از اعتبار و روایی ابزارهای پژوهش بود. به منظور تعیین قدرت پیش‌بینی ناظر خیالی و زیر مقیاس‌های خود افسانه‌ای، برای هر یک از ابعاد تاب‌آوری، از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بعد قادر مطلق پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی و خوبی برای تمام ابعاد تاب‌آوری (شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی، انسجام خانوادگی، حمایت اجتماعی و ساختار فردی) بود. بعلاوه بعد آسیب ناپذیری پیش‌بینی‌کننده منفی و معناداری برای حمایت اجتماعی و انسجام خانوادگی است. همچنین بعد منحصر به فرد بودن تنها توانسته است پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی و معناداری برای حمایت اجتماعی و ساختار فردی باشد. افزون بر آن ناظر خیالی، بعد شایستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی، را به طور مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری: در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر شواهد مطلوبی در جهت تأیید مدل خود محوری لاپسلی فراهم آورد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که خود محوری دوره نوجوانی در برخی ابعاد دارای پیامدهای سازگارانه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، ناظر خیالی، خود افسانه‌ای، خودمحوری، نوجوانی

مقدمه

تفکر خودش قرار دهد. و به همین دلیل این دوره را مرحله غلبه تفکر نامید. این غلبه، نوجوان را قادر می‌سازد تا به این مساله نائل آید که دیگران نیز فکر می‌کنند و دیدگاه‌های دیگری نیز در جهان وجود دارد. سوالی که پیش روی *الکایند* [۱۳] قرار گرفت آن بود که با چنین برداشتی از پیرامون خود چگونه خود محوری بر نوجوان عارض می‌گردد؟

الکایند [۱۳] دریافت که اگر چه نوجوان قائل به وجود تفکرات دیگران است و می‌تواند راجع به آن‌ها اندیشه کند، اما در تعیین جهت تفکر خود از دیگران ناتوان است، یعنی نمی‌تواند بین جهت گیری تفکر خود و دیگران تفاوت قائل شود. یعنی به این باور می‌رسد که دیگران نیز او را مرکز توجه و تفکر خود قرار داده‌اند و نسبت به ظاهر و رفتار او حساس هستند. این مسئله هسته مرکزی خود محوری نوجوانی را فراهم می‌آورد. پیامدهای چنین وضعیتی آن است که نوجوان در موقعیت‌های اجتماعی، واقعی یا محتمل، واکنش‌های دیگران نسبت به خود را پیش‌بینی می‌کند که این مسئله منجر به شکل‌گیری ساختاری شناختی به نام، ناظر یا مستمعین خیالی (Imaginary Audience) در نوجوان می‌شود، تفکری که بر آن اساس، نوجوان معتقد است که همیشه مرکز توجه دیگران است و همیشه و همه جا، دیگران در حال قضاوت در امور وی هستند.

الکایند [۱۳] همچنین بر وجود ساختار شناختی دیگری همزمان با ناظر خیالی، تحت عنوان خود افسانه‌ای (Personal Fable)، تاکید داشت که برابر آن، نوجوان معتقد به «بی نظیر و خاص بودن» خود دارد و همچنین باور به فناپذیری، به این مفهوم که اتفاقاتی که برای دیگران رخ می‌دهد او را تهدید نمی‌کند. نوجوان باور دارد که تجارب بی‌نظیری دارد و توسط دیگران (به ویژه والدین) قابل درک نیست. *الکایند* [۱۳] و محققان دیگر [۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱] معتقدند که این دو ساختار همزمان و منتج از خودمحوری، موجبات رفتارهای ناسازگارانه و خطرپذیری را در این دوران فراهم می‌کند. در سال‌های اخیر، لاپسلی [۲۲]، [۲۳]، رایس و لاپسلی [۲۴] در یک چارچوب مثبت‌نگر، نگاه جدیدی را در این زمینه مطرح نمود. وی معتقد است که در واقع این دو ساختار نتیجه رشد شناختی نیست، بلکه اوج رشد شناختی باید منجر به حذف این پدیده شود، و شکل‌گیری این دو سازه را بیش‌تر مربوط به رشد ارتباطات اجتماعی مربوط دانست. وی با تکیه بر مرحله سوم سلمون [۱۵] که دیدگاه شکل‌گیری اجتماعی را به عنوان مرحله‌ای از رشد مطرح نموده، مدل شناختی-اجتماعی خود را مطرح ساخته است. بر اساس این دیدگاه در شکل‌گیری اجتماعی نوجوان خود را به عنوان "خودی مشاهده‌گر" در نظر می‌گیرد و این خود مشاهده‌گر هم خود فرد را مشاهده می‌کند و هم دیگران را، به عبارتی خود مشاهده‌گر در تعاملات اجتماعی فرد را هم به عنوان فاعل شناخت و هم مفعول شناخت در نظر می‌گیرد، که این خود زمینه ساز ناظر خیالی می‌شود. در رابطه با خود افسانه‌ای، خود را بسیار خودآگاه می‌داند و این هوشیاری زیاد باعث می‌شود که

در سال‌های اخیر، رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، با شعار توجه به استعدادها و توانمندی‌های انسان (به عوض پرداختن به نابهنجاری‌ها و اختلالات)، مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف روانشناسی قرار گرفته است. در این رویکرد هر یک از ویژگی‌ها، خصایص، استعدادها و تغییرات تحولی در انسان نوعی توانایی محسوب می‌شود و می‌تواند پیامدهای مثبتی را برای انسان به همراه داشته باشد. در این میان، تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای، خصوصاً در حوزه‌های روانشناسی تحول، روانشناسی خانواده و بهداشت روانی، به خود اختصاص داده است [۱].

گارمزی و ماتسن [۲] تاب‌آوری را "یک فرایند، توانایی، یا پیامد سازگاری موفقیت آمیز علی‌رغم شرایط تهدید کننده"، تعریف نموده‌اند. در واقع تاب‌آوری سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است. *والر* [۳] عنوان می‌کند که تاب‌آوری صرف مقاومت منفعل در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدید کننده نیست. بلکه فرد تاب‌آور، مشارکت کننده فعال و سازنده محیط پیرامونی خود است. نوعی ترمیم خود، که با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی همراه است. [۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸] *کامپفر* [۹] معتقد است تاب‌آوری یا بازگشت به تعادل اولیه است یا رسیدن به تعادلی سطح بالاتر (در شرایط تهدید کننده) و قاعده‌تاً باید موجبات سازگاری موفق در زندگی را فراهم آورد. در خصوص عوامل مرتبط با تاب‌آوری، مدل‌ها متعددی ارائه شده است، که در مجموع، تحقیقات انجام شده، بر مبنای این مدل‌ها، سه گروه از عوامل را تحت عناوین: ویژگی‌های فردی، اجتماعی، و خانوادگی، شناسایی نموده‌اند. در خصوص ویژگی‌های فردی، *فریبورگ* [۱۰] بر توانایی‌های شناختی و رشد شناختی در فرد و در حوزه عوامل اجتماعی، فرایندهای تعامل شخص و محیط و در حوزه عوامل خانوادگی، محیط‌های مراقبتی، تاکید نموده است.

به دلیل تعدد تهدیدات و خطرات در دوره نوجوانی مطالعات مربوط به تاب‌آوری در این دوره سنی از جذابیت بیش‌تری برخوردار بوده است. تحولات فیزیکی، شناختی، عاطفی و ارتباطی، کسب هویت، کسب استقلال عاطفی و مالی از والدین، برقراری رابطه اثر بخش با همسالان، بالغ شدن و آمادگی برای انتخاب شغل و غیره در این دوران، همواره این سوال را پیش روی محققان قرار داده است که تا چه حد این تحولات زمینه ساز، سازگاری‌ها و ناسازگاری‌های نوجوانان بوده است؟ در همین راستا یکی از عمده‌ترین تحولات شناختی در این دوران، رشد خودمحوری (Egocentrism) نوجوانی است. اولین بار واژه خود محوری در دوره کودکی توسط *پیائزه* [۱۱]، [۱۲] مطرح شد که به عنوان ناتوانی در تمایز نقطه نظرات خود، از نقطه نظرات دیگران توصیف شده است. *الکایند* [۱۳] با الهام از دیدگاه *پیائزه*، "خود محوری" دروان نوجوانی و آثار آن را در مرکز تحقیقات خود قرار داد. وی بر اساس نظریه *پیائزه* [۱۱]، [۱۲]، توانایی‌های شناختی نوجوانی، نظیر تفکر فرضی-قیاسی، را عاملی دانست که از طریق آن‌ها نوجوان می‌تواند افکار خویش را موضوع

گویه‌ها، ۲ گویه از بعد شایستگی فردی حذف شدند. بنابراین در پژوهش حاضر از فرم ۴۱ گویه‌ای استفاده شد. ضرایب اعتبار مقیاس به روش آلفای کرونباخ در پژوهش مذکور به ترتیب برای ابعاد شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی، انسجام خانوادگی، حمایت اجتماعی و ساختار فردی برابر ۰/۸۰، ۰/۷۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و ۰/۷۷، گزارش شده است. در خصوص روایی نیز یافته‌های مذکور وجود پنج عامل را با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و چرخش پرومکس (و بر مبنای ملاک ارزش ویژه بالاتر از یک و شیب منحنی اسکری) نشان دادند. ضمن اینکه، بار عاملی گویه در هر زیر مقیاس بالاتر از ۰/۳۵ بوده است.

به منظور بررسی روایی و اعتبار آن در نوجوانان ایرانی در پژوهش حاضر نیز برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ و برای تأیید روایی مقیاس از روش تحلیل عامل تأییدی به روش مولفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس استفاده شد. پیش از استخراج عوامل بر اساس ماتریس همبستگی گویه‌ها دو شاخص KMO و ضریب کرویت بارتلت محاسبه شدند. مقدار KMO برابر ۰/۹۱ و ضریب کرویت بارتلت برابر ۷۵۹۸ ($P < ۰/۰۰۰۱$) بود که نشان‌دهنده‌ی کفایت نمونه‌گیری سؤال‌ها و ماتریس همبستگی بودند. شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک وجود ۵ عامل در مقیاس را تأیید نمود. گویه‌های ۶، ۱۱، ۱۸، ۳۲، به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۳۰ و گویه‌های ۱۹، ۳۵ و ۴۰ به دلیل ناهمخوانی با عامل استخراجی مجموع گویه‌ها حذف شدند. بنابراین در تحلیل نهایی ۳۶ گویه مد نظر قرار گرفتند که به عوامل شایستگی فردی (۱۰ گویه)، شایستگی اجتماعی (۸ گویه)، انسجام خانوادگی (۷)، حمایت اجتماعی (۷ گویه) ساختار فردی (۴ گویه) و اختصاص یافتند. ضرایب اعتبار آلفا کرونباخ برای عوامل استخراجی نیز به ترتیب برای عوامل مذکور برابر ۰/۸۲، ۰/۸۰، ۰/۸۱، ۰/۸۱، ۰/۷۳ و ۰/۷۳ برای کل مقیاس ۰/۹۱ حاصل شد.

مقیاس جدید خود افسانه‌ای (New Personal Fable Scale)

(Scale): مقیاس خود افسانه‌ای توسط لاپسلی و همکاران [۲۶] تهیه شده است و از ۴۶ گویه و سه زیر مقیاس به نام‌های قادر مطلق (۱۹ گویه)، آسیب‌ناپذیری (۱۴ گویه) و منحصر به فرد بودن (۱۳ گویه) تشکیل شده است در مقابل هر گویه طیف ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) قرار دارد. از مجموع گویه‌ها ۱۵ گویه (۱۰، ۲۳، ۲۸، ۳۸، ۱۴، ۱۷، ۱۱، ۳۹، ۴۳، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۷، ۲۴، ۲۵) به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس توسط سازندگان مقیاس، لاپسلی و همکاران [۲۹، ۳۰، ۳۱] تعیین شده است که اعتبار زیر مقیاس‌ها به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای ابعاد قادر مطلق، آسیب‌ناپذیری و منحصر به فرد بودن، برابر ۰/۶۹، ۰/۶۵ و ۰/۷۷ گزارش شده است. در خصوص روایی نیز این محققان به روش تحلیل عوامل وجود عوامل مذکور را تایید نموده‌اند. در پژوهش حاضر برای استفاده از مقیاس ابتدا فرایند ترجمه و برگردان به انگلیسی انجام پذیرفت و پس از تایید سازندگان مقیاس، مجوز

خود ویژه‌ای را برای آن در نظر بگیرد. علاوه بر این لاپسلی [۲۵] از منظر دیگر، هویت‌یابی فردی و جستجوگری هویت در دوران نوجوانی را زمینه‌ساز شکل‌گیری خود افسانه‌ای می‌داند. بر این اساس نوجوان می‌خواهد تا فردیت خود را به عنوان انسانی ویژه کسب نماید، و برای همین سعی در احراز فردیت و جدایی از خانواده دارد. از سوی دیگر چون نوجوان موضوع هویت‌یابی را مساله اصلی خود می‌داند و سوالات ذهنی خود و دیگران او را احاطه نموده‌است، فکر می‌کند این موضوع برای دیگران نیز مهم‌ترین است، که این مسئله شکل‌گیری ناظرین خیالی می‌شود [۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷]. مدل شناختی- اجتماعی لاپسلی [۲۳] که تحت عنوان «نگاهی نو» به خود محوری و سازه‌های فرعی آن یعنی خود افسانه‌ای و ناظر خیالی است، کمتر مورد محک تحقیقاتی قرار گرفته است. هدف کلی پژوهش حاضر بررسی شواهدی تحقیقاتی در خصوص آثار سازگارانه و ناسازگارانه خودمحوری دوران نوجوانی بود. لذا در این پژوهش رابطه ناظر خیالی و خود افسانه‌ای، با تاب آوری مورد بررسی قرار گرفت.

روش

تحقیق حاضر از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان‌های نواحی چهارگانه شهر شیراز بودند. شرکت کنندگان پژوهش شامل ۶۶۰ نفر دانش‌آموز (۳۵۹ دختر و ۳۰۱ پسر) سال آخر دبیرستان شهر شیراز بودند که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی از بین دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی، ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای، انتخاب شدند. به این ترتیب از چهار ناحیه شهر شیراز و حومه، ۲ ناحیه به صورت تصافی و از هر ناحیه سه دبیرستان دخترانه و سه دبیرستان پسرانه انتخاب گردید، در نهایت از هر از هر رشته یک کلاس انتخاب و کلیه دانش‌آموزان حاضر در کلاس مورد ارزیابی قرار گرفتند. از پرسشنامه‌های ذیل به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد:

مقیاس تاب‌آوری مقیاس تاب‌آوری فرایبورگ: این مقیاس شامل ۴۳ گویه می‌باشد و توسط فرایبورگ و همکارانش [۱۰] تهیه شده است. این مقیاس شامل پنج زیر مقیاس به نام‌های: شایستگی فردی (۱۲ گویه)، شایستگی اجتماعی (۱۰ گویه)، انسجام خانوادگی (۷ گویه)، حمایت اجتماعی (۹ گویه) و ساختار فردی (۵ گویه) می‌باشد. در مقابل هر گویه طیف از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم قرار داشت. روایی و اعتبار این مقیاس توسط سازندگان مقیاس به روش‌های تحلیل عوامل، همبستگی با سایر آزمون‌ها و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و نتایج موید پایایی و روایی مقیاس بوده است. در ایران نیز خصوصیات روانسنجی این مقیاس توسط جوکار، فرایبورگ و هجمدال [۲۸] در گروهی از دانشجویان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج پژوهش مذکور اعتبار و روایی این مقیاس برای استفاده در ایران را تأیید نموده است. در فرم فارسی تاب‌آوری جوکار و همکارانش [۲۸]، بر اساس نتایج تحلیل عوامل، از مجموع

از بار عاملی بالاتر از ۰/۳۰ برخوردار بودند. مقدار KMO برابر ۰/۸۷ و ضریب کروییت بارتلت برابر ۰/۷۱۰۴ ($P < ۰/۰۰۰۱$) بود که نشان‌دهنده‌ی کفایت نمونه‌گیری سؤال‌ها و ماتریس همبستگی بودند.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی شامل، میانگین، انحراف معیار، برای متغیرهای پژوهش آورده شده است. برای پاسخ‌گویی به سوال پژوهش و اعتبار بخشیدن به تحلیل‌های بعدی ابتدا همبستگی مرتبه صفر متغیرهای پژوهش محاسبه شد که نتایج در جدول ۲ آورده شده است. به منظور پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه ابعاد خود افسانه‌ای و ناظر خیالی به چه شکل هر یک از ابعاد تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند، با استفاده از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان رگرسیون ابعاد تاب‌آوری روی ابعاد خود افسانه‌ای و ناظر خیالی استفاده شد. به این ترتیب که ابعاد خود افسانه‌ای و ناظر خیالی به عنوان متغیر پیش‌بین و هر یک از ابعاد تاب‌آوری شامل، ویژگی‌های خلقی (مجموع نمرات؛ شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی و ساختار فردی)، انسجام خانوادگی و حمایت اجتماعی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده‌اند که نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
قادر مطلق	۴۰/۹۶	۷/۳۱
آسیب‌ناپذیر	۱۱/۹۶	۳/۶۲
منحصر به فرد	۱۶/۵۸	۴/۴۴
ناظر خیالی	۹۷/۶۲	۱۷/۷۵
شایستگی فردی	۳۸/۱۱	۶/۳۳
شایستگی اجتماعی	۲۹/۱۰	۵/۷۲
انسجام خانوادگی	۳۶/۷۹	۶/۸۲
حمایت اجتماعی	۲۲/۱۸	۴/۳۶
ساختار فردی	۱۳/۸۷	۳/۳۴

استفاده از آن اخذ گردید. سپس برای احراز اعتبار از روش آلفا کرونباخ و برای تعیین روایی از روش تحلیل عامل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس موید وجود سه عامل مذکور بود. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار KMO برابر ۰/۷۸ و ضریب کروییت بارتلت برابر ۳۵۶۴ ($P < ۰/۰۰۱$) بود. بارهای عاملی حاصل گویه‌ها برای هر سه زیرمقیاس بالاتر از ۰/۴۰ بود. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۷۶، و برای ابعاد منحصر به فرد بودن، آسیب‌ناپذیری و قادر مطلق، به ترتیب برابر ۰/۶۴، ۰/۶۰ و ۰/۷۴ بود.

مقیاس ناظر خیالی (New Imaginary Audience Scale): مقیاس ناظرین خیالی توسط لاپسلی [۲۹] تهیه شده است. این مقیاس شامل ۴۰ گویه می‌باشد. که در مقابل هر گویه طیفی ۴ گزینه‌ای شامل اغلب = ۴، گاهی اوقات = ۳، کم = ۲، هرگز = ۱، قرار دارد. لاپسلی و همکاران [۲۹] اعتبار مقیاس به روش آلفای کرونباخ را برابر ۰/۸۲ گزارش نموده‌اند و روایی مقیاس را نیز با استفاده از روش تحلیل عامل مورد بررسی قرار دادند که نتایج موید وجود سه عامل به نامهای خاص بودن، آسیب‌ناپذیری و خطرپذیری بوده است در مقیاس بوده است. ولی سازندگان مقیاس لاپسلی و همکاران [۲۹] توصیه نموده‌اند که در تحلیل‌ها از نمره کل استفاده شود.

برای استفاده از مقیاس در پژوهش حاضر، ابتدا فرایند ترجمه و برگردان به انگلیسی انجام پذیرفت و پس از تایید سازندگان مقیاس مجوز استفاده از آن اخذ گردید. سپس برای احراز اعتبار از روش آلفا کرونباخ و برای تعیین روایی از روش تحلیل عامل استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۸۸ بود. نتایج تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس وجود عوامل مذکور در مقیاس را تایید نمود، ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. لازم به ذکر است که، گویه‌های ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵ به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۳۰ از مجموع گویه‌ها در تحلیل نهایی کنار گذاشته شدند و سایر گویه‌ها

جدول ۲. ماتریس همبستگی صفر مرتبه متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
قادر مطلق	۱								
آسیب‌ناپذیر	۰/۲۸**	۱							
منحصر به فرد	۰/۲۵**	۰/۲۱**	۱						
ناظر خیالی	۰/۰۶**	۰/۰۹**	۰/۱۵**	۱					
شایستگی فردی	۰/۵۱**	۰/۲۳**	۰/۱۲	۰/۱۰	۱				
شایستگی اجتماعی	۰/۲۹**	۰/۱۲**	۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۴۴	۱			
انسجام خانوادگی	۰/۲۴**	۰/۰۳**	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۳۲**	۰/۳۹**	۱		
حمایت اجتماعی	۰/۳۳**	۰/۰۲**	۰/۰۲**	۰/۱۲**	۰/۴۸**	۰/۴۵**	۰/۵۶**	۱	
ساختار فردی	۰/۲۹**	۰/۰۲**	۰/۰۱**	۰/۰۷	۰/۴۸**	۰/۲۵**	۰/۳۶**	۰/۳۹**	۱

* $P < ۰/۰۰۱$ ، ** $P < ۰/۰۵$

جدول ۳. رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان ابعاد تاب‌آوری روی متغیر ناظر خیالی و ابعاد مختلف خود افسانه‌ای

متغیر ملاک: شایستگی فردی						
Sig	F	R2	R	Sig	β	B
						متغیرهای پیش‌بین
				۰/۰۰۱	۰/۵۰	۰/۴۳
						قادر مطلق
۰/۰۰۱	۶۴/۱۵	۰/۲۸	۰/۵۳	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۱۵
				NS	-۰/۰۳	-۰/۰۴
				NS	۰/۰۷	۰/۰۲
						متغیر ملاک شایستگی اجتماعی
						متغیرهای پیش‌بین
				۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۲۱
						قادر مطلق
۰/۰۰۱	۲۳/۰۵	۰/۱۲	۰/۳۵	NS	۰/۰۳	۰/۰۵
				NS	-۰/۰۲	-۰/۰۳
				۰/۰۰۱	۰/۱۹	۰/۰۶
						متغیر ملاک انسجام خانوادگی
						متغیرهای پیش‌بین
				۰/۰۰۱	۰/۳۰	۰/۲۱
						قادر مطلق
۰/۰۰۱	۲۷/۰۲	۰/۱۴	۰/۳۷	NS	-۰/۱۰	-۰/۱۵
				NS	-۰/۰۹	-۰/۱۰
				NS	۰/۰۷	۰/۰۲
						متغیر ملاک حمایت اجتماعی
						متغیرهای پیش‌بین
				۰/۰۰۱	۰/۳۷	۰/۲۷
						قادر مطلق
۰/۰۰۱	۲۷/۰۲	۰/۱۴	۰/۳۷	NS	-۰/۰۷	-۰/۱۰
				۰/۰۰۱	-۰/۱۲	-۰/۱۴
				۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۰۳
						متغیر ملاک ساختار فردی
						متغیرهای پیش‌بین
				۰/۰۰۱	۰/۳۳	۰/۱۵
						قادر مطلق
۰/۰۰۱	۱۹/۰۲	۰/۱۰	۰/۳۲	NS	-۰/۰۵	-۰/۰۵
				۰/۰۱	-۰/۱۰	-۰/۰۷
				NS	۰/۰۷	۰/۰۱

تاب‌آوری بوده است، البته در بعد شایستگی فردی این پیش‌بینی قوی‌تر بوده است. این یافته با نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه تاثیر مثبت خود خود افسانه‌ای همخوانی دارد [۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴]، [۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸] که تأییدی است بر نظر لاپسلی [۲۹]، در خصوص آثار مثبت این تحول شناختی. تعمقی در ویژگی‌های تفکر قادر مطلق بودن، توجیه‌گر روابط حاصل خواهد بود. این تحول فکری سبب رشد آگاهی از خود به عنوان یک عامل فعال، رشد خود کنترلی در افکار و احساسات، حس چیرگی و تسلط بر اوضاع و خلق آنچه دیگران قادر به انجام آن نیستند، در دوره نوجوانی می‌شود. فرایبورگ و همکاران [۳۶] معتقدند که این احساسات از طریق پرورش ویژگی‌های تاب‌آوری شامل: اعتماد به نفس، خودکارآمدی، خود دوستی، امید، برون‌گرایی، تسلط بر روابط، تاثیر گذاری بر دیگران و توان سازمان‌دهی و برنامه ریزی زمینه رشد تاب‌آوری را در نوجوان فراهم می‌سازند.

در خصوص آسیب‌ناپذیری به عنوان بعد دیگری از سازه خود افسانه‌ای، یافته‌ها بیانگر آن بود که این بعد تنها پیش‌بینی کننده

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود قادر مطلق، پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار برای تمامی ابعاد تاب‌آوری بوده است و بعد آسیب‌ناپذیری تنها توانسته است پیش‌بینی کننده منفی حمایت اجتماعی، انسجام خانوادگی باشد و بعد منحصر به فرد بودن نیز پیش‌بینی کننده منفی و معناداری برای حمایت اجتماعی و ساختار فردی می‌باشد و ناظر خیالی شایستگی اجتماعی، حمایت اجتماعی را به طور مثبت و معناداری پیش‌بینی کرده است.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی پیامدهای سازگارانه و ناسازگارانه خودمحوری دوره نوجوانی بود. در این راستا دو پیامد مهم این سازه یعنی ناظر خیالی و خود افسانه‌ای، همراه با عوامل آن، بر مبنای مدل لاپسلی [۲۹]، به عنوان شاخص‌های خودمحوری و ابعاد مختلف تاب‌آوری به عنوان شاخص سازگاری مد نظر قرار گرفتند. یافته‌های حاصل نشان داد، که از بین ابعاد مختلف خود افسانه‌ای، بعد قادر مطلق به صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی کننده تمامی ابعاد

گیری هویت و تعاملات اجتماعی این نتیجه قابل توجیه است. همانگونه که بحث شد تفکر ناظر خیالی، قائل بر پرسشهایی در دوره نوجوانی است، در خصوص اینکه دیگران چگونه او را ارزیابی و قضاوت می‌کنند. لذا در پی نشان دادن چهره‌های خوب، مقاوم، مقابله‌گر و موفق از خود در نزد دیگران است. در واقع مطابق نظر لاپسلی [۲۵] نوجوان به نوعی خوداگاهی در ارتباط خود با دیگران می‌رسد که در عین اینکه سبب می‌شود به جدایی و استقلال از والدین بیانیدشد، نیازمند به یافتن هویت خود در بیرون از محیط خانواده شود [۲۲، ۲۵، ۴۸، ۴۹]. به عبارت دیگر در عین وصل بودن به خانواده هویت مستقل خود را به عنوان یک عضو در ارتباط اجتماعی دنبال می‌کند. در این مقطع نوجوان نسبت به وضعیت خودش در گروه‌های اجتماعی که عضو آن است به شدت حساس می‌شود و سعی در حفظ این روابط دارد. لاپسلی [۲۹] تخیلات و اندیشه‌های نوجوان پیرامون ناظرین اجتماعی را نوعی راهبرد مقابله‌ای می‌داند برای مواجه شدن با فشارهای زندگی اجتماعی.

نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر شواهد جدیدی در جهت تأیید مدل لاپسلی فراهم آورد. این یافته‌ها نشان داد که بر خلاف تصور رایج برخی جنبه‌های خودمحوری دوره نوجوانی می‌تواند نقش عامل محافظتی در دوران نوجوانی داشته باشد. به ویژه تفکر قادر مطلق بودن، از ابعاد خود افسانه‌ای، و همچنین تفکر ناظر خیالی به عنوان شق دیگری از خود محوری نوجوانی نتایج قابل توجهی را در این زمینه ارائه نمودند. به واقع می‌توان نتیجه گرفت که تمامی تغییرات تحولی دوران‌های مختلف رشد اگرچه دارای پیامدهای خطر ساز برای افراد می‌باشند اما در عین حال کارکرد محافظتی برای فرد دارند. نتیجه ضمنی دیگر پژوهش حاضر آن بود که تفکر ناظر خیالی و خود افسانه‌ای لزوماً در یک جهت نمی‌باشند و هر یک مستقل از یکدیگر (البته در ضمن داشتن رابطه با یکدیگر) پیامدهای خاص خود را دارند.

در پایان، از آنجا که شکل‌گیری تاب آوری تابع کمیت و کیفیت منابع حمایتی است که فرد در اختیار دارد، پیشنهاد می‌شود تا متولیان تعلیم و تربیت با مراحل رشد و پیامدهای هر مرحله از رشد آگاهی کامل داشته باشند تا از این طریق منابع حمایتی یا محافظتی لازم را برای هر دوره فراهم آورند.

در واقع پژوهش حاضر نشان داد که این ویژگی‌های تحولی می‌تواند موجبات افزایش تاب‌آوری در فرد شود و این چشم اندازهای جدیدی در حوزه تعلیم و تربیت و روانشناسی رشد پیش روی محققان قرار می‌دهد.

تشکر و قدردانی: در آخر محققین این مقاله بر خود لازم می‌دانند تا از سازمان آموزش و پرورش استان فارس و نواحی چهارگانه آموزش و پرورش و مدیران و مسئولین و دانش‌آموزانی که صادقانه و دوستانه در اجرای این پژوهش ما را یاری دادند صمیمانه قدردانی نمایند.

منفی و معنادار انسجام خانوادگی بوده است و با سایر ابعاد ارتباط معناداری نداشته است. این نتایج تا حد زیادی با یافته‌های [۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱] همخوانی دارد. در توجیه عدم ارتباط این بعد از ناظر خیالی با اکثر ابعاد تاب‌آوری، می‌توان به نظر لاپسلی و همکاران [۳۱] مبنی بر دو وجهی بودن سازه آسیب‌ناپذیری اشاره نمود. این احساس از یک سو با ویژگی‌هایی همچون باور فناپذیری، نقصان در مهارت‌های اجتماعی، جهت‌گیری غیر واقع بینانه و میل به تجارب پرخطر، مشخص می‌شود و از این رو می‌تواند موجبات رفتارهای ناسازگارانه در نوجوان گردد و از سوی دیگر با خصوصیتی همچون میل به جستجو و پذیرش خود، می‌تواند موجبات رفتارهای تطابقی را فراهم کند. این دو وجهی بودن تاثیرات، احتمالاً سبب شد است تا برآیند پیش‌بینی‌ها در اکثر مواقع به صفر میل نماید، اما به نظر می‌رسد در خصوص انسجام خانوادگی وجه منفی قالب شده است. احتمالاً، این مسئله بیش‌تر ناشی از آن است که آسیب‌ناپذیری سبب می‌شود تا نوجوان بدون حمایت و پشتیبانی خانواده اقدام به رفتارهای پرخطر نماید که این مسئله منجر به مختل شدن تا ارتباط خانوادگی شده و قادر نخواهد بود حمایت‌های خانواده را جلب نماید که نتیجه چنین وضعیتی، رابطه منفی این بعد با انسجام خانوادگی را توجیه می‌نماید. در خصوص بعد سوم خود افسانه‌ای یعنی احساس منحصر به فرد بودن، یافته‌های حاصل نشان داد که این بعد رابطه معناداری با زیر مقیاس‌های شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی و انسجام خانوادگی ندارد، اما پیش‌بینی کننده منفی برای ابعاد حمایت اجتماعی و ساختار فردی بوده است. این یافته تا حدی با نتایج پژوهش‌های پیشین [دُجرتی و لاپسلی [۲۷]، وارتانین [۴۲، ۴۳] همخوان می‌باشد. همانگونه که در مقدمه اشاره شد احساس منحصر به فرد بودن عبارت است از اینکه نوجوان خود را فردی استثنایی، ویژه و بی‌همتا می‌داند که هیچکس قادر به درک منطق، استدلال و چرایی عملکرد او نیست، چنین احساساتی سبب می‌شود که نوجوان به گونه‌ای خواهان استقلال بیش‌تر و و فردیت باشد [۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹]. بر این اساس احتمالاً، جلب حمایت و استفاده از منابع اجتماعی (که شاخصه تاب‌آوری اجتماعی است) و همچنین پیروی از نظم و ساختار موجود (که شاخصه ساختار فردی است) را نقطه ضعف خود تلقی نماید. از این منظر رابطه منفی بین این بعد از خود افسانه‌ای و ابعاد مذکور تاب‌آوری قابل توجیه است. البته انتظار می‌رفت که این رابطه در خصوص انسجام خانوادگی نیز به صورت منفی و معنادار باشد ولی ضریب حاصل در این خصوص اگرچه مطابق انتظار بود ولی حد معناداری را احراز نمود.

در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد که ناظر خیالی به صورت مثبت ابعاد شایستگی اجتماعی و حمایت اجتماعی پیش‌بینی نموده است. این نتایج با پیشینه تحقیقات انجام شده در خصوص مدل لاپسلی تا حد زیادی همسو می‌باشد [۲۸، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹]، در تبیین یافته فوق با تکیه بر نظر لاپسلی [۳۹، ۴۴] و مدل شناختی- اجتماعی وی تحت عنوان «نگاهی نو» لاپسلی [۲۶]، [۲۹] در خصوص نقش مهم و کلیدی تفکر ناظر خیالی در شکل

منابع

1. Campbell-Sills L, Cohan SL, Stein MB. Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. *Behav Res Ther.* 2006; 44(4):585-99.
2. Garmezy N, Masten, A. The protective role of competence indicators in children at risk. In E. M. Cummings, A. L. Green, & K. H. Karraki(Eds.), *Life span developmental psychology: perspectives on stress and coping.* Hillsdale, N J: Lawrence Erlbaum Associates; 1991
3. Waller MA. Resilience in ecosystemic context: evolution of the concept. *Am J Orthopsychiatry.* 2001; 71(3):290-7.
4. Garmezy N, Masten, A. Resilience and vulnerability to adverse developmental outcomes associated with poverty. *Am Behav Sci.* 1991; 34(4):416-30
5. Masten AS. Ordinary magic. Resilience processes in development. *Am Psychol.* 2001; 56(3):227-38.
6. Rutter M. Psychological resilience and protective mechanisms. *AM J Orthopschiat.* 1987; 57:316-31.
7. Luthar SS, Cicchetti, D., & Becker, B. . The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Dev.* 2000; 71:543-62.
8. Momeni K, Shahbazi-Rad A. Relationship of spirituality, resiliency, and coping strategies with quality of life in university students. *J Behav Sci.* 2012; 6(2):97-103. [Persian]
9. Kumpfer KL. Factor and processes contributing to resilience: The resilience framework. In: M. D. Glantz & J. L. Johnson (Eds.) *Resilience and development.* New York: Kluwer Academic Publisher; 1999
10. Friborg O, Barlaug ,D. Martinussen, M., Rosenvinge, J. H., & Hjemdal, O. Resilience in relation to personality and intelligence. *INT J Methods Psychiatr Res.* 2005; 14(1):29-42.
11. Inhelder B; Piaget J; Parsons A, Milgram S. *The growth of logical thinking from childhood to adolescence.* New York, NY, US: Basic Books; 1958.
12. Piaget J .*The child's conception of the world.* Rowman & Littlefield; 2007
13. Elkind D. Egocentrism in adolescence. *Child Dev.* 1967; 38(4):1025-34.
14. Arnett J. Contraceptive use, sensation seeking ,and adolescent egocentrism. *J Youth Adolesc.* 1990; 19(2):171-80.
15. Selman R. *The growth of interpersonal understanding: Developmental and clinical analyses:* New York: Academic Press; 1980
16. Weiner IB. *Psychological disturbance in adolescence.* New York: Wiley; 1980.
17. Matheis S. *Growing up from the roots: Exploring the relationship between family climate and identity style [Dissertation]:* The University of Guelph; 2001.
18. Hejazi E sH. The quality of friendship, friendship reciprocity and resilience. *J Behav Sci.* 2011; 4 (4):19-20. [Persian]
19. Nikmanesh Z, Khosravi Z, Kiamanesh AR, Banijamali ShS , Kazemi Y. Effective factors on risk taking behaviors of adolescences. *J Behav Sci.* 2010; 4 (3):19-20. [Persian]
20. Dusek JB. *Adolescent development and behavior.* Englewood Cliffs, NJ, US: Prentic-Hall, Inc; 1987.
21. Elkind D, Bowen R. Imaginary audience behavior in children and adolescents. *Dev Psychol.* 1979; 15(1):38-44.
22. Lapsley DK, Narv ez, D. *Moral development, self and identity.* Psychology Press; 2004a.
23. Lapsley DK. Toward an integrated theory of adolescent ego development: The “new look” at adolescent egocentrism. *Am J Orthopsychiatr.* 1993; 63(4):562–71.
24. Rice KG, Cole DA, Lapsley DK. n-individuation, family cohesion, and adjustrn NT to college: Mea urement validation and test of a theoretical model. *J Couns Psychol.* 1990; 37:195-202.
25. Lapsley, DK. Moral stage theory. *Handbook of moral development;* 2006.
26. Lapsley DK, Rice, K. The “new look ”at the imaginary audience and personal fable: Toward an integrated model of adolescent ego development. In D.K. Lapsley & F.C. Power (Eds.), *self, ego, identity:* Springer Verlag New York Inc; 1988.
27. Docherty Ck, Lapsley DK. Sepration-individuation, adolescent adjustment, and the “new look” at the imaginary audience and personal fable. Poster presented at the biennial meeting of the society for research in child development Indianapolis, IN; 1995.
28. Jowkar B, Friborg O, Hejmdal O. Cross-cultural validation of the Resilience Scale for Adults (RSA) in Iran. *Scandiavian J Psychol.* 2010; 51:418-25
29. Lapsley DK, Rice K. The “New Loo k” at the imaginary audience and personal fable: Towards a general mod1 of adolecent ego de lopment. In D. Lapsley & F. C. Power (Eds.), *Self, fRO. AJId identity: llte :>{ rlltive approaches* 1988:109-n9.
30. Lapsley DK. The two faces of adolescent invulnerability. In D. Romer (Ed.), *Reducing adolescent risk. Towardan integrated approach.* Thousand Oaks, CA: Sage; 2003
31. Lapsley DK, FitzGerald D, Rice K, Jackson S. Separation-individuation and the “new look” at the imaginary audience and personal fable: A test of an integrative model. *Adolesc Res.* 1989; 4(4):483–505.
32. Rutter M. Resilience reconsidered: Conceptual considerations, empirical findings, and policy implica-tion. In E.E Zigler, J.P. Shonkoff, & S.J. Meisels (Eds.). *Handbook of early childhood intervention* Cambridge: Cambridge University Press; 2000.
33. Greenberger E, Steinberg, ID, Vaux A. Adolescents who work: Health and behavioral consequences of job stress. *Dev Psychol.* 1988; 17(6) 691-703.
34. Belsky J, Youngblade L, Rovine, M, Volling B. Patterns of martial change and parent child interaction. *J Mariage Fam.* 1991; 53(2): 487-98

35. Place M, Reynolds J, Cousins A, O'Neil SH. Developing resilience package for vulnerable children. *Child Adolesc Ment health*. 2002; 7(4):162-7.
36. Friborg MM, Rosenvinge JH. Likert-based versus semantic differential-based scorings of positive psychological constructs: A psychometric comparison of two versions of a scale measuring resilience. *Pers Individ Diff*. 2006; 40(5):873-84.
37. Olsson CA, Bond LJ, Burn M, Vella-Brodrick S, DA, Sawyer SM. Adolescent resilience: A concept analysis. *J Adolesc*. 2002; 26(1):1-11.
38. Masten AS, Reed MGJ. Resilience in development. In C.R. Snyder, S.J. Lopez (Eds). *Handbook of positive psychology*. New York: Oxford University Press; 2002.
39. Lapsley DK, Varshney NM, Aalsma MC. Pathological attachment and attachment style in late adolescence. *J Adolesc*. 2000; 23(2):137-55.
40. Bobrovitz CD. Adaptation of Chinese -born adapted children [Dissertation]. State of Buffalo; University of Buffalo; 2006.
41. Bartley M, Head J, Stansfeld S. Is attachment style a source of resilience against health inequalities at Work? *Soc Sci Med*. 2007; 64(4):756-75.
42. Vartanian L. Separation individuation, social support, and adolescent egocentrism: An exploratory study. *J Early Adolesc*. 1997; 17(3):245-70.
43. Vartanian LR. Revisiting the imaginary audience and personal fable constructs adolescent egocentrism: A conceptual review *Adolesc*. 2000; 35(140):639-61.
44. Lapsley DK, Edgerton, J. Separation-individuation, adult attachment style and college adjustment. *J Couns Dev*. 2002; 80:485-93.
45. Niemann YF, Romero A, Arbona C. Effects of cultural orientation on the perception of conflict between relationship and education goals for Mexican American college students. *Hispanic J Behav Sci*. 2000; 22(1):46-63.
46. Mills DM. A model for step family development. *Fam Relations*. 1984; 33(3):365-72
47. Aalsma Mc, Lapsley, DK, Flanner DK. Personal fables, narcissism, and adolescent adjustment. *psychol Schools*. 2006; 43(4):481- 491
48. Peterson KI, Roscoe B. Imaginary audience behavior in older adolescent females. *Adolesc*. 1991; 26(101):195-200.
49. Lapsley D, Murphy M. Another look at the theoretical assumptions of adolescent egocentrism. *Dev Rev*. 1985; 5:201-17.